یادداشت

بیم و هراس کشاورزان «مکریان» در آستانه کشت پاییزی

علی‌آبادیان . کشاورز

● با روی کار آمدن دولت روحانی و اهتمام ایشان به احیای دریاچه ارومیه بالاخره هیات دولت در جلسه ۹۳/۶/۲۳ موافقت کرد برای جبران خسارت کشاورزان در زمین‌های زراعی پایاب بند انحرافی نوروزلو در حوضه آبریز دریاچه ارومیه و مقابله با خشکسالی، مبلغ دوهزارو۵۰۰میلیاردریال تامین اعتبار کند و در اختیار استانداری‌های آذربایجان‌غربی و شرقی قرار بدهد. البته مقرر شده این اعتبار با هماهنگی دبیرخانه کارگروه نجات دریاچه ارومیه بین کشاورزان منطقه توزیع شود.

در این زمینه طبق برآورد و بررسی‌های به‌عمل‌آمده، سه رودخانه«زرینه‌رود، سیمینه‌رود و گادر» در جنوب استان بیشترین آورده آبی را در حوضه آبریز دریاچه ارومیه به خود اختصاص داده‌اند و طرحی تحت‌عنوان «نکاشت» با زمانبندی‌های پیش‌بینی‌شده ظاهرا قرار است در راستای نجات دریاچه و خروج از بحران کم‌آبی به اجرا گذاشته شود.

یکی از مصوبات کارگروه نجات دریاچه که آقای کلانتری وزیر کشاورزی چندین دوره در راس آن قرار دارد، طرح ساماندهی و مدیریت علمی آب در بخش کشاورزی است که بیشترین میزان از آب موجود یعنی چیزی حدود ۸۵درصد منابع آبی را مصرف می‌کند. در قالب این طرح زمانبندی‌شده برای خروج از بحران کم‌آبی و احیای دریاچه، ضرورت دارد کاشت محصولات کشاورزی در زیر شبکه‌های آبیاری ممنوع اعلام شود و دولت با اختصاص بودجه‌ای خسارت«نکاشت» را برای کشاورزان تامین کند.

طرح«نکاشت» در سال زراعی ۹۴-۹۳ به‌صورت پایلوت «آزمایشی» قرار است در حوزه کشاورزی شهرستان میاندوآب و چند شهر دیگر که در مسیر رودخانه زرینه‌رود و سیمینه‌رود قرار دارند و به‌خصوص در شبکه آبیاری سد انحرافی نوروزلو، اجرا شود. این شبکه که با اعتبارات بانک جهانی و بخش دولتی در حال تکمیل است، در ساحل راست خود به‌جز مزارع شهرستان میاندوآب بخشی از زمین‌های کشاورزی منطقه بناب و ملکان را هم تحت‌پوشش دارد. ساحل چپ هم دشت مابین دو رودخانه سیمینه‌رود و زرینه‌رود، «دشت مرکزی»و دشت زرین مکریان شمالی «شامات و چومی مجیدخان» یکی از مهم‌ترین قطب‌های کشاورزی کشور را زیر پوشش خود دارد.

البته پیامدهای این تلاش‌های اجرایی تاکنون برای کشاورزان ملموس نبوده و عملیاتی کردن تصمیمات این کارگروه با اماواگرهای فراوانی روبه‌رو است؛ امری که موجب بیم و یأس مردمی شده که هراسان از آینده بحران بی‌آبی، در انتظار راه چاره هستند. بحران کنونی که متاسفانه آثار تخریبی آن اندک‌اندک در حال ظهور است در صورت عدم چاره‌اندیشی، عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و در یک کلام حیات انسانی و زیست‌محیطی شمال‌غرب کشور را با مخاطرات جدی روبه‌رو خواهد کرد.

بیشتر کارشناسان معتقدند بخش عمده آب مصرفی در بخش کشاورزی به هدر رفته و پر واضح است برای استفاده بهینه از آب باید ابتدا نسبت به ساماندهی بخش کشاورزی اقدام کرده و ساختاری نوین و علمی برای آن تدوین و پیاده کرد. بدون پرداختن به نواقص و کمبودهای بخش کشاورزی هر طرح و برنامه برای مدیریت آب منتج به نتیجه نبوده و کاری عبث و هزینه‌بردار است. ناگفته پیداست در بحران کم‌آبی عوامل متعددی دخیلند که می‌توان در کنار بی‌درایتی و ناکارآمدی و سوءمدیریت دولتی در اجرای طرح‌های استراتژیک آب و خاک و برداشت و تفسیر غلط از مقوله توسعه، بی‌تفاوتی مردم و به ویژه کشاورزان را نیز باید نسبت به حیاتی‌ترین عنصر طبیعت افزود. صد البته بی‌برنامگی و کج‌سلیقگی کشنده دولتی و بی‌تفاوتی ویرانگر مردم داستانی است پرآب چشم!

نقد دیگری که به اینگونه طرح‌ها و کلا این نگاه به توسعه وارد است، در نظر نگرفتن مردم و از بالا نگریستن به کشاورزان و نامحرم دیدن آنهاست؛ امری که باعث شده در میان کشاورزان فضایی آمیخته با شک و شایعه و بدبینی و ناامیدی حاکم شود. با چنین اوضاعی در آغاز فصل کاشت پاییزه که پرسش‌های بی‌پاسخ فراوانی پیش روی تولیدگران بخش کشاورزی قرار دارد، آنها را بیش از پیش هراسان و سردرگم کرده است.

جا دارد مسوولان ذی‌ربط«استانداری، وزارت نیرو و جهاد کشاورزی» به همراه کارگروه نجات دریاچه ارومیه که درصدد مدیریت بحران کم‌آبی هستند، قبل از آنکه کشاورزی و دامداری که تنها منبع درآمد و معیشت بزرگ‌ترین قشر جامعه یعنی کشاورزان و روستاییان و به یک معنی تنها پتانسیل بالقوه تولیدی جنوب استان است، به درد دریاچه گرفتار نیامده و ایست قلبی نکند، به صورت جدی و شفاف و در اسرع وقت برنامه‌های اجرایی طرح«نکاشت» را از جلسات محرمانه خارج و از طریق صداوسیما و رسانه‌های سرتاسری و محلی به اطلاع کشاورزان و روستاییان برسانند، چون فرار از مسوولیت و پنهان‌کاری بحران را حادتر و خسارت‌ها را دوچندان خواهد کرد.

پناهیان مدیرعامل بورس کالا در گفت‌وگو با «شرق»:

دشمن شماره‌یک «بورس»، قیمت‌گذاری دستوری است



عکس: سعید کریمی‌نژاد، فارس

مهدی درویش‌خان: از آن‌زمان که زمزمه‌های خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی آغاز شد، بسیاری از دلالان نگران این بودند که رانت‌های خود در خرید محصولات شرکت‌های دولتی را از دست بدهند؛ محصولاتی که به‌خاطر اقتصاد دولتی کشور و قیمت‌گذاری‌های دستوری ارزان‌تر از بازار آزاد به دست آنان می‌رسید و سود ناشی از فروش این محصولات در بازار بسیاری از این دلالان را صاحب ثروت‌های کلان کرده بود؛ تولد بورس کالا در سال‌های پایانی دولت سیدمحمد خاتمی امیدهای بسیاری را برای پایان‌یافتن رانت‌ها و دلالی‌ها از جیب مردم زنده کرد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باور بودند که بورس کالا خواهد توانست به توسعه صنعت و اقتصاد کشور کمک کند، بورس کالا چندسالی با فعالیت در حوزه فلزات به پیش رفت و آماده ورود به عرصه‌های دیگر شد، اما دولت محمود احمدی‌نژاد با ازسرگیری سیاست قیمت‌گذاری کالاها از سوی دولت، بار دیگر بورس کالا را از کارکرد خود در اقتصاد دور کرد و با ازبین‌بردن رقابت در بازار، آرزوهای توسعه اقتصادی صنعت و کشاورزی از طریق معامله در بازار آزاد را به باد داد. با آغاز دولت حسن روحانی و توقف سیاست قیمت‌گذاری از سوی دولت، بورس کالا بار دیگر رونق خود را از سر گرفت. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی ما با حسین پناهیان، مدیرعامل بورس کالا درباره وضعیت امروز بورس کالا و تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی آن است.

قرار بود بورس کالا گرهی از وضع اقتصادی ایران باز کند. در چندسال اخیر هم حساب ویژه‌ای روی آن باز شد، آیا این اتفاق افتاده و بورس کالا توانسته در فضای اقتصاد ایران موثر واقع شود؟

بورس کالا و کارکرد آن به کارکرد اقتصاد رقابتی برمی‌گردد، هرقدر اقتصاد برپایه رقابت و رقابت‌پذیری توسعه بیشتری داشته باشد بورس کالا هم توسعه بیشتری خواهد داشت، بورس کالا در ایران سابقه‌ای حدودا ۱۰ساله دارد؛ برای اینکه ۲۵شهریور ۱۳۸۲ بورس فلزات راه‌اندازی شده است.

چرا ما در ایران اینقدر دیر به فکر راه‌اندازی بورس کالاافتاده‌ایم؟

در ایران تا قبل از آغاز مباحث خصوصی‌سازی، اقتصاد ما کاملا یک اقتصاد دولتی بود، در اقتصاد دولتی کارکرد عرضه و تقاضا و رقابت و به‌تبع آن وجود بورس کالایی اصلا اهمیت و نقشی ندارد.

الان رابطه دولت با بورس کالا چگونه است؟

رابطه فوق‌العاده خوبی است.

دولت به‌عنوان مشتری ظاهر می‌شود یا عرضه کننده؟

هیچ‌کدام نیست، دولت اینجا رگولاتور (قانونگذار) است، دولت نه به‌عنوان مشتری و نه به‌عنوان عرضه‌کننده وارد نمی‌شود.

پس دولت قرار است تنها نظارت و قانونگذاری کند و بورس کالا مستقل باشد، به این ترتیب باید روزهای سختی پیش‌روی دوران طفولیت بورس کالا باشد.

بورس کالا ظرفی است که پتانسیل‌هایی را در اختیار اقتصاد کشور قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال در لایحه خروج از رکود یک تیتر فرعی کمک به ارتقای جایگاه رقابت‌پذیری و نظام مالی کشور است، یعنی خروج کشور از رکود، دو ستون اصلی دارد که یکی رقابت‌پذیری و دیگری نظام مالی کشور است؛ در این لایحه به‌طور مشخص کارکردهایی برای بورس‌های کالایی در نظر گرفته شده است که خب البته کار را سخت و ما را به آینده روشن بورس کالا امیدوار می‌کند.

مثلا چه کارکردهایی؟

یکی از بحث‌هایی که مطرح شد این بود که دولت نباید به‌دنبال سیاست سرکوب قیمت‌ها باشد، البته به‌غیر از چند قلم کالای اساسی که قوت غالب مردم است و باید در سیاست کلی برای آنها قیمت‌گذاری کرد.

پس دیگر نباید منتظر طرح‌هایی از قبیل آنچه به‌نام تثبیت قیمت‌ها و امثالهم مطرح می‌شد، باشیم؟

تثبیت قیمت‌ها اصلا دیگر مطرح نیست، اصلا با روی‌کارآمدن دولت آقای روحانی یکی از گره‌هایی که از بورس کالا باز شد بحث قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی و لغو قیمت‌گذاری دستوری بود؛ ستاد تنظیم بازار در زمان دولت قبل، محصولات پتروشیمی را به‌صورت دستوری به بورس کالا تحمیل می‌کرد و قیمت این محصولات به‌اجبار بر اساس سازوکاری تعیین و در تالار معاملاتی کشف قیمت می‌شد که کاملا خلاف اصول بازار بود.

مگر تحمیل قیمت کالاهایی از این دست چه ایرادی دارد؟

عملا کارکرد بورس کالا از بین می‌رفت، وقتی می‌گوییم قیمت این کالا یک قیمت تثبیت‌شده است در این قیمت فرآیند عرضه و تقاضا و رقابت هیچ دخالتی ندارد، یعنی قیمت کالا به‌درستی کشف نمی‌شود و کشف‌نشدن قیمت درست کالا به معنای این است که برای ارتقای نظام بهره‌وری تولید کالا و افزایش کیفیت آن هیچ اقدامی انجام نمی‌شود؛ این اتفاق در نظام بازار و در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد می‌کند.

آیا قبلا هم این ایرادها را اعلام کرده بودید؟

یکی از مهم‌ترین ایرادهایی که ما گوشزد می‌کردیم این بود که این مصوبه تحمیلی، کارکرد بورس کالا را زیر سوال می‌برد؛ ما در دوسال گذشته تلاش زیادی کردیم که این نظام دستوری را از بین ببریم و در نهایت در چندماه گذشته موفق شدیم بخش‌های باقیمانده این نظام دستوری را هم که در بخش پتروشیمی بود، اصلاح کنیم و نظام دستوری قیمت‌گذاری را تا حد ممکن در بورس کالا از بین ببریم.

در ۱۰سال گذشته دخالت خارجی در بورس وجود داشته است، اگر حالا می‌گوییم در دولت فعلی این دخالت وجود ندارد حتما باید مستند بر آماری باشد که رشد بورس را نشان دهد، شما چنین آماری که مبتنی بر رشد باشد دارید؟

یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که رخ داده این است که ما شاهد عرضه بیشتر از پیش کالاهای پتروشیمی در بورس کالا هستیم، قبلا تولیدکننده نهایی ۳۰درصد یا ۲۰درصد مواد اولیه مورد نیازش را در بورس معامله می‌کرد و باقی آن را در خارج از بورس می‌فروخت یا می‌خرید، اما این رقم امروز کاملا دگرگون شده است.

این بیرون دقیقا یعنی کجا؟ خارج از بورس کجا عرضه می‌شد؟

خود پتروشیمی‌ها مستقیم وارد خرید و فروش می‌شدند، مشتریان را خودشان پیدا می‌کردند، اعتراضی هم که به ما داشتند این بود که این قیمت، قیمت دستوری است و معامله در این قیمت سود نمی‌کند، زیرا بازار خارج از بورس ۱۰ تا ۱۵درصد اختلاف قیمت داشت و این طبیعتا به‌نفع آنها بود که وارد بورس نشوند.

و در یکی، دوسال اخیر این اختلاف قیمت از بین رفته است؟

ما سعی کرده‌ایم با کم‌کردن و به بیان بهتر ازبین‌بردن دخالت در قیمت‌گذاری سمت عرضه را تقویت کنیم. در این زمینه چون قیمت مانع بود نمی‌توانستیم تولیدکننده را مجبور کنیم که کالای بیشتری در بورس عرضه کند، بعد از رایزنی‌های متعدد با دولت و ستاد تنظیم بازار به این جمع‌بندی رسیدیم که سقف قیمت در زمینه محصولات کشاورزی را برداریم به شرط اینکه عرضه به اندازه کافی باشد.

بیشترین نوع کالایی که در تالارهای شما معامله می‌شود چه کالایی است؟

پلیمری‌ها بیشترین سهم را از بورس کالا دارند.

قرار شد درباره رشد بورس کالا آمارهایی را بدهید که بحث کمی به حاشیه رفت، این آمارها را اعلام می‌کنید؟

ما مقایسه‌ای بین ۱۸روز معاملاتی قبل از اصلاح مصوبه و ۱۸روز بعد از اصلاح مصوبه کرده‌ایم. اصلاح مصوبه شانزدهم خرداد امسال بود؛ یعنی زمانی که دخالت دولت در قیمت‌گذاری صفر شد و داستان‌های مربوط به ارز مبادلاتی و ارز بازار پایان یافت. این مقایسه نشان می‌دهد قبل از اصلاح مصوبه، حجم عرضه محصولات پلیمری ۴۱۶هزارتن و حجم تقاضای آن دومیلیون و ۲۹۰هزارتن بوده است؛ یعنی ۴۱۶هزارتن کالا برای فروش عرضه شده اما تقاضایی که برای آن شده حدودا پنج برابر عرضه است. سقف رقابت برای این کالا هم تا پنج‌درصد بوده؛ یعنی قیمت پایه می‌توانسته نهایتا در جریان رقابت تا پنج‌درصد بالا برده شود. چیزی که در جریان فروش هم اتفاق افتاده، این است که نهایت این سقف بروز پیدا کرده یعنی به‌خاطر ارزان‌تر بودن نسبت به بیرون و نابرابری شدید عرضه و تقاضا تا جایی که می‌شده قیمت بالا رفته است؛ در نهایت هم تسهیم به نسبت شده و افرادی که مایل به خرید بوده‌اند به میزان تقاضایی که داشته‌اند نسبت‌بندی شده‌اند و قسمتی از این کالا به آنها فروخته شده است. در همین دوره ۱۸روزه قبل از اصلاح مصوبه حجم معاملات هزارو۲۰۰میلیاردتومان برای این محصولات پلیمری بوده است.

بعد از اصلاح مصوبه این عدد و رقم‌ها چقدر تغییر پیدا کرده است؟

بعد از اصلاح مصوبه و پایان دخالت دولت در قیمت‌گذاری حجم عرضه ۵۶۰هزارتن شده است، یعنی ظرف ۱۸ روز عرضه از ۴۱۶هزارتن به ۵۶۰هزارتن رسیده و عرضه بیشتری در بازار اتفاق افتاده است؛ این یعنی بازار به سمت تعادل می‌رود، تقاضا هم به ۵۴۸هزارتن کاهش پیدا کرده است، یعنی از دومیلیون و ۲۹۰هزارتن به ۵۴۸هزارتن رسیده و در نهایت عرضه ۵۶۰هزارتنی در برابر تقاضای ۵۴۸هزارتنی قرار گرفته است.

تکلیف آن بخشی که از تقاضا کم شده یعنی حدود یک و نیم میلیون تن چه می‌شود؟ این بخش از تقاضا از کجا تامین می‌شود؟

تقاضا به‌خاطر عقلانی‌شدن شرایط بازار و از بین رفتن آن اختلاف قیمت ۱۰ تا ۱۵درصدی که قبلا به‌دلیل قیمت‌گذاری دستوری بین اینجا و بازار آزاد به وجود آمده بود، حالا از بازار تامین می‌شود و این کالا به‌خاطر تعادل در عرضه و تقاضا در وضعیت عاقلانه و متعادلی به سر می‌برد. نکته مهم دیگر اینجاست سقف رقابت که قبلا پنج‌درصد بود و نهایت آن هم اتفاق می‌افتاده حالا ۱۰درصد تعیین شده اما فقط ۱/۲درصد آن اتفاق افتاده است؛ این یعنی اینکه معاملات واقعی‌تر شده است.

اینها که گفتید مربوط به محصولات پلیمری بود که خب وابسته به نفت است و در کشور نفتی ما جایگاه خودش را دارد. سوال من این است در باقی محصولاتی که در بورس کالا فروخته می‌شود هم این اتفاق افتاده و در بخشی مثل محصولات کشاورزی هم رشد داشته‌ایم؟

درباره این محصولات شرایط قدری متفاوت است. ما در تالار معاملات فیزیکی سه دسته کالا داریم. محصولات صنعتی و معدنی، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی و کشاورزی. در زمینه محصولات کشاورزی چون ساختار کشاورزی ما سنتی است و عرضه‌کنندگان و تولیدکنندگان به دلیل اینکه تولیدکنندگان خُرد و متفرق هستند و در عین حال با ادبیات مدرن بازارهای مالی هم آشنا نیستند، راه‌اندازی بازار محصولات کشاورزی در بورس کار بسیار پیچیده‌ای است.

سوال من هم دقیقا از همین باب است، اصلا چه اصراری است که محصولات کشاورزی در بورس عرضه شود؟

شما اگر جهان را از این منظر مطالعه کنید، در بیشتر بورس‌های دنیا محصولات کشاورزی است که معامله می‌شود. دلیل آن هم یک دلیل پایه‌ای اقتصادی است و آن هم اینکه کشاورزی می‌تواند به توسعه اقتصادی بیشتر کمک کند. کشاورزی اگر در جایگاه درست خود قرار گیرد موجب فقر کمتر می‌شود. «آنکتاد» مطالعه‌ای را انجام داده در کشورهایی که بورس کالا فعالیت داشته و اینکه چقدر کارکرد این بورس منجر به کاهش فقر شده و نشان داده با آمار که بورس کالا وقتی می‌آید منافع بیشتری عاید کشاورز می‌شود. در واقع بورس جایگزین دلال‌ها می‌شود و سودش به جیب تولیدکننده می‌رود در مرحله بعدی هم بهره‌وری در کشاورزی رشد می‌کند چون پول بیشتری به جیب کشاورز می‌رود و انگیزه سرمایه‌گذاری در این بخش بالا می‌رود، اصرار ما هم از اینجاست.

برگردیم به بحث فروش کالای کشاورزی در بورس با مکانیسم قیمت‌گذاری تضمینی.

همانطور که گفتم این مکانیسم کمک می‌کند کسی که کالای با کیفیت‌تری تولید می‌کند، بتواند آن را به قیمت بیشتری بفروشد و در رقابت وارد شود. همین موضوع باعث می‌شود به قول خودمان سرمایه کشاورزان افزایش پیدا کند و در نهایت بهره‌وری در بخش کشاورزی و کیفیت محصولات کشاورزی هم بالا برود، چون به هر ترتیب رقابت وارد این حوزه شده و کم‌کم شکل سنتی کشاورزی و عرضه محصولات کشاورزی هم دستخوش تغییر می‌شود.

متوجه نشدم، چرا اسم این مکانیسم «قیمت تضمینی»است؟

چون به‌عنوان مثال اگر یک محصول ۵۰۰تومان قیمت‌گذاری شود و بعد در بورس کالا وارد رقابت و در نهایت ۴۵۰تومان کشف قیمت شود و به فروش برود، آن ۵۰تومان باقیمانده را دولت ظرف مدت دوهفته به تولیدکننده پرداخت می‌کند، زیرا قیمتی که برای این محصول تضمین کرده بوده ۵۰۰تومان است و دولت موظف است این حداقل قیمت تضمین‌شده را برای کشاورز تضمین کند، اگر هم بالاتر از قیمت تضمینی فروخت و کیفیت محصولش خوب بود که آن قیمت بالاتر به خود کشاورز تعلق دارد و خب کشاورز سود بیشتری کرده است.

الان معامله محصولات کشاورزی در بورس اتفاق می‌افتد؟

ما به‌صورت پایلوت هشت‌استان کشور و شش‌محصول را انتخاب کرده‌ایم و شرطمان هم راه‌اندازی انبارهای پذیرش‌شده بورس کالا در این مناطق است، مقدمات پذیرش انبار و اینکه کالاها در انبار دپو شوند و بر اساس گواهی وجود کالا معاملات صورت گیرد را به صورت پایلوت انجام می‌دهیم؛ الزاما باید این انبار و محصول در آن موجود باشد تا معامله از طریق ما انجام شود، به‌عبارت دیگر معامله باید واقعی باشد.

کدام استان‌ها را انتخاب کرده‌اید؟

استان‌های گلستان، مازندران، اصفهان، تهران، کرمانشاه، فارس، خوزستان و همدان و محصولات کلزا، سویا، ذرت، جو، سیب‌زمینی و پیاز به‌صورت پایلوت انتخاب شده‌اند، البته امسال اجرا نشد چون با این معضل روبه‌رو شدیم که بودجه قیمت تضمینی محصولات کشاورزی را وزارت جهاد کشاورزی در بودجه‌اش نیاورده بود برای همین دنبال تامین منابع آن هستند.

ادامه در صفحه ۶

خبر

تشکیل اتاق بازرگانی مشترک ایران و آمریکا پس از لغو تحریم‌ها

● **ایسنا:** دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی گفت: تشکیل اتاق بازرگانی مشترک ایران و آمریکا پس از لغو تحریم‌ها امکانپذیر است. محمدمهدی بهکیش انتشار قطعی‌شدن خبر تشکیل اتاق بازرگانی مشترک ایران و آمریکا توسط برخی رسانه‌ها را غیراخلاقی دانست و گفت: یکی از خبرگزاری‌ها بدون انجام مصاحبه با بنده، خبری مبنی بر قطعی‌شدن تشکیل اتاق بازرگانی مشترک ایران و آمریکا منتشر کرد که باعث سردرگمی جامعه بازرگانان کشور شده است. او گفت: در مجمع اتاق بازرگانی بین‌المللی گفته شد که اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) امکانات گسترده‌ای برای توسعه صادرات دارد و به‌دلیل وجود اکثریت شرکت‌های آمریکایی، این اتاق می‌تواند نقطه تماس مناسبی با بازار آمریکا باشد و مسوولانش نیز اعلام آمادگی کردند. بهکیش گفت: پس از حل‌شدن جریان تحریم‌ها می‌توان اتاق مشترک بازرگانی ایران و آمریکا را با اتکا به نقطه تماس گسترده ICC تشکیل داد.

استقرار هیات بازرسی در «ایران‌خودرو»

● **ایسنا:** هیات بازرسی سازمان بازرسی کل کشور در شرکت ایران‌خودرو مستقر شد. هیات بازرسی امور صنعت، معدن و تجارت از تاریخ۱۳۹۳/۷/۱۴ در شرکت ایران‌خودرو مستقر می‌شود. چنانچه کارکنان و شهروندان درخصوص عملکرد و اقدامات این دستگاه اجرایی شکایت یا اعلاماتی دارند می‌توانند به هیات بازرسی مستقر مراجعه یا با شماره‌تلفن گویای ۱۳۶ تماس بگیرند. همچنین هیات بازرسی امور تعاون، کار و رفاه اجتماعی سازمان بازرسی کل کشور در سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور مستقر شده است.

هموطنی که همه یارانه دریافتی را به خزانه برگرداند

● **عصرایران:** یکی از هموطنان، در اقدامی تحسین‌برانگیز، تمام یارانه‌ای که در سال‌های اخیر دریافت کرده بود را به خزانه بازگرداند. کاشانی‌موسوی با ارایه یک چک به مبلغ ۵۰میلیون‌ریال، به وزارت امور اقتصادی و دارایی، نه‌تنها تمام یارانه دریافتی را بازگرداند، بلکه مبلغی مازاد بر آن را نیز پرداخت کرد. بر این اساس، خزانه‌دار کل کشور با ارسال نامه‌ای به وزیر امور اقتصادی و دارایی، گزارش داد که مبلغ مذکور به حساب درآمد عمومی کشور در خزانه کل کشور واریز شد.